

وطن امروز

اظهارات اردوغان سؤال برانگیز است



تیتراهای امروز

عراقی ها در محکومیت تجاوز نظامی ترکیه جمعه تظاهرات می کنند

هشدار بسیج مردمی عراق به اردوغان

شرط گازی آنکارا برای خارج کردن نظامیان از نینوا

صفحه ۱۵

انتشار دومین سند پرداخت پول به قلم فروشان داخلی

صفحه ۲

شورای حکام در پیش نویس قطعنامه خود گزارش آمانو درباره پی ام دی را به رسمیت شناخت

پرونده مختومه ایران مجرم!

صفحه ۲

اصرار مدیرمسئول روزنامه اطلاعات بر انتشار اخبار سران فتنه به رغم اعلام جرم دادستان تهران

دهان کج دعایی

دستور دادستان در منع انتشار تصویر و اظهارات رئیس دولت اصلاحات به قوت خود باقی است

صفحه ۲

نکته

این دولت نیازی به مخالف ندارد!

عیادت باطله



حسین قدیانی: قانون و حداقل عرف و احترام به دیگر قوا و همه مواردی از این دست را اگرچه هرگز نمی توان به کناری نهاد، لیکن در این مقال کنار می گذاریم و خطاب به دولت اعتدال که برادر جناب روحانی را روانه دیدار فتنه گران می کند بی تعارف عرض می کنیم: چه چیزی را می خواهید ثابت کنید؟! فتنه سر خط، دولتی که بخواید اینگونه به دوست و دشمن پیغام دهد که ما با دروغگویان بزرگ انتخابات ۴۰ میلیونی ۸۸ هم هستیم و هوای فتنه و فتنه گر را هم داریم، تنها چیزی که نمی خواهد مخالف و منتقد است، چراکه نشست و برخاست با کسانی که رأی ۴۰ میلیونی ملت را به هیچ گرفتند، فی الواقع به هیچ گرفتن خود است و لگد به مشروعیت دولت برآمده از همان انتخابات، با همان سازوکار! گمان نشست و برخاست دست اندر کاران دولت با سران فتنه زمینه ساز تحریم، مشخص می کند چه کسانی کاسیان تحریمند!

من البته یارایم هستم این یادداشت را پیچ و تاب بدهم اما با نصیحتی به پایان می برمش. دهن کجی به رأی مردم، به قانون، به انتخابات، به حق الناس و... وظیفه آن قوای نیست که باید مشکلات مردم را حل کند. ۳ ماه مانده به انتخابات مجلس، با کسانی که به صندوق رأی مردم لگد زدند دیدار می کنید که چه بشود؟ بگذریم! با توجه به نتیجه آن انتخابات، به عیادت «رأی باطله» می رفتید بهتر بود!

مهدی محمدی: بحثها درباره نحوه خاتمه یافتن آنچه اصطلاحاً مسائل باقیمانده گذشته و حال درباره برنامه هسته ای ایران خوانده می شود در حال شفاف تر شدن است. ۲ عامل به شفافیت بیشتر این موضوع کمک کرده است؛ اول، مجموعه اظهارات تیم مذاکره کننده ایرانی از روز چهارشنبه گذشته تاکنون که خلاصه آن این بوده است که انجام برخی «مطالعات» مرتبط با سلاح را در ایران پذیرفته و آن را تلویحاً بی اشکال خوانده اند (صریح تر از همه آقای عبیدی نژاد به این موضوع اشاره کرده است) و در نتیجه از گزارش آژانس استقبال کرده اند و دوم، مجموعه آنچه توسط منابع، مقامها، نهادها و کارشناسان غربی در این باره منتشر شده است. در این مورد دوم، خلاصه حرف غربی ها این است که آنچه درباره ایران در پی آن بودیم اثبات شد، اکنون این موضوع خاتمه خواهد یافت اما این به معنی خاتمه یافتن همه چیز نیست. دقیق ترین سندی که در واقع می توان آن را جمع بندی دیدگاههای طرف غربی درباره ارزیابی آژانس دانست، پیش نویس قطعنامه ای است که شورای حکام بنا دارد آن را روز ۲۴ آذر به رای بگذارد و احتمالاً بی کم و کاست نیز تصویب خواهد شد. اگر در این باره که ارزیابی مدیر کل با مشارکت طرف ایرانی نوشته شده تردیدی وجود داشته باشد، در این زمینه که پیش نویس قطعنامه شورای حکام مشترکاً توسط تیم دولت ایران و ۱۰۶ نوشته شده هیچ تردیدی نیست و به همین دلیل می توان مسؤلیت کامل این متن را بر عهده طرفه ای دانست که بر سر آن مذاکره کرده اند.

با ترکیب آنچه در اظهارات مقامهای غربی، ارزیابی کارشناسان آنها و پیش نویس شورای حکام آمده جمع بندی زیر اجتناب ناپذیر است: ۱- صرف نظر از اینکه دولت ایران چگونه می اندیشد، غربی ها گزارش آژانس را به معنی تأیید دیدگاه سنتی خود درباره وجود ابعاد نظامی در برنامه هسته ای ایران در نظر گرفته اند. در این حدود یک هفته، هیچ تحلیلگر معتبر غربی ارزیابی های

بسر خلاف این ارائه نداده است. بویژه آمریکایی ها گزارش آژانس را موید بر آورده های اطلاعاتی خود می دانند و وقتی از بستن PMD سخن می گویند، به بستن پرونده پس از اثبات مجرمیت و اعمال مجازات بر ایران نظر دارند. تبعات راهبردی اثبات دیدگاه غرب درباره برنامه هسته ای ایران - به زعم آمریکایی ها - بسیار عمیق تر از چیزی است که ظاهراً به نظر می رسد. این امر در واقع به معنی توجیه انکار حقوق هسته ای ایران و درگیر کردن آن در یک فرآیند بلندمدت اعتمادسازی فراماهده ای است؛ یعنی دقیقاً اتفاقی که در برجام رخ داده است. ۲- هیچ نشانه ای از اینکه مسائل باقیمانده میان ایران و آژانس واقعاً بسته خواهد شد، نه در ادبیات منابع غربی و نه در پیش نویس قطعنامه شورای حکام وجود ندارد. صرف استفاده از عباراتی مانند «no longer seized of the matter» در پیش نویس قطعنامه نمی تواند و نباید باعث دلخوشی کاتب در ایران شود. بسته شدن واقعی PMD نیازمند تأمین حداقل ۴ شرط اساسی است:

- * دبیر خانه متعدد شود از پذیرش شواهد جدید مرتبط خودداری کند.
- * دبیرخانه از طرح موضوع جدید مرتبط خودداری کند.
- * دبیرخانه در خواست دسترسی و بازرسی مرتبط با این موضوع نداشته باشد.
- * دبیرخانه از طرح پرسش جدید مرتبط خودداری کند.

به بعد همین دسترسی ها و بلکه بسیار فراتر از آنها را تحت عنوان اجرای پروتکل، راستی آزمایی اجرای برجام و همچنین تلاش برای رسیدن به جمع بندی گسترده تر درباره ماهیت برنامه هسته ای ایران (BC: Broader Concusion) درخواست خواهد کرد. معنی روشن بند ۴ (ii) اجرای پیش نویس دقیقاً همین است. این بند به آژانس اجازه می دهد هر نوع نگرانی جدیدی را مجدداً به شورای حکام و شورای امنیت گزارش کند (همکاری کامل «درخواست کن»). نکته مهم تر این است که این قطعنامه ایران را موظف می کند در چارچوب قطعنامه ۲۲۳۱ با آژانس همکاری کند و این قطعنامه در بند ۳ اجرایی خود اختیاراتی بی سابقه برای آژانس در نظر گرفته است که می تواند درباره هر موضوعی که مدنظرش باشد از ایران «همکاری کامل» درخواست کند. ۳- براساس آنچه گفته شد، نه تنها دوران چالش ایران با آژانس خاتمه نخواهد یافت بلکه این چالش، عمیق تر و جدی تر خواهد شد آن هم در حالی که دست ایران هم برای مقاومت در مقابل زیاده خواهی های آژانس و هم برای واکنش نشان دادن به اقدامات خصمانه احتمالی آژانس و کشورهای غربی خالی تر و بسته تر از گذشته است. این قطعنامه زیرساخت لازم برای هر نوع فشار به ایران را در صورتی که طرف غربی به آن نیاز داشته باشد فراهم می کند. در واقع مساله از این به بعد به اراده طرف غربی بستگی دارد. اگر آمریکایی ها اراده کرده باشند دشمنی با ایران را کنار بگذارند احتمالاً وضعیت بدتر از اینکه حالا هست نخواهد شد اما اگر کوچک ترین احتمالی بدبین مبنی بر این است که آمریکا بخواید با استفاده از امکاناتی که درون برجام، قطعنامه ۲۲۳۱، ارزیابی آمانو درباره PMD و در نهایت قطعنامه دسامبر ۲۰۱۵ شورای حکام فراهم آورده، دشمنی با ایران را ادامه بدهد، می تواند الگوهای جدید و بسیار متفاوت اعمال فشار بر ایران را تولید کند. این نکته ای است که موشه یعلون، وزیر جنگ تندرو رژیم صهیونیستی در سخنان ۲

روز قبل خود در اجلاس ساپان موسسه بروکینگز هم بر آن پای فشرده است. یعلون گرچه ظاهراً جزو منتقدان برجام است ولی در سخنرانی خود به صراحت می گوید اگر آمریکا و اسرائیل تصمیم بگیرند به ایران فشار بیآورند، با استفاده از بستری که فراهم شده «کارهای بسیار زیادی می توانند بکنند». ۴- به نظر می رسد اکنون پرونده هسته ای ایران در آستانه یک تغییر فاز اساسی قرار دارد. مأموریت دولت روحانی این بود که این پرونده را ببندد و به همین دلیل این اجازه را پیدا کرد که بستن آن از بی سابقه ترین امتیازها را به غرب واگذار کند. آنچه واقعاً رخ داده این است که امتیازها حتی فراتر از آنچه مجاز بودند واگذار شده ولی پرونده هسته ای به جای اینکه بسته شود، تغییر شکل داده و به فاز خطرناک تری وارد شده است. تعبیری که من مایلیم از آن استفاده کنم این است که پرونده هسته ای شماره ۱ بسته و پرونده هسته ای شماره ۲ گشوده شده باشد. این موضوعی است که آژانس نمی تواند درباره آن تصمیم بگیرد بلکه مستلزم یک تصمیم سیاسی از جانب ۱۰۶ است. ۵- آخرین نکته، بازگشت به اولین و مبنایی ترین منازعاتی است که میان دولت آقای روحانی و منتقدان آن در حوزه مسائل امنیت ملی وجود دارد. استراتژی دولت روحانی در حل و فصل و مدیریت این پرونده ها به رسمیت شناختن نگرانی های غرب و رفع آن نگرانی ها با ابزارها، فرمول ها و امکاناتی است که خود غربی ها معین می کنند. این استراتژی در بهترین حالت منازعات را به نحو حداقلی کنترل کرده و زمان می خرد اما پذیرش اتهامات غرب ایران را بدل به یک کشور سابقه دار کرده، از طریق درگیر شدن در فرآیندهای اعتمادساز، ابزارهای اصلی قدرت ایران را با مابه ازای بسیار اندک به دشمن تقدیم می کند. متوقف کردن این تفکر که بزرگ ترین خطر برای امنیت ملی ایران است، واجب ترین وظیفه ای است که از حالا به بعد باید در دستور کار قرار گیرد.

تهدید تولید ملی خرید کالای خارجی! 0 107354 683291